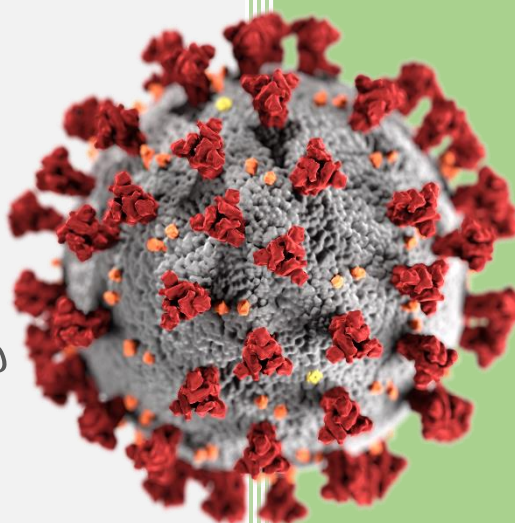


دانشگاه تربیت مدرس



دیدهبانی علمی بیماری کووید ۱۹

گزارش علمی



Scientific Report

بحران کرونا و بازآفرینی نقش مرزهای بین‌المللی

دکتر محمدرضا حافظ‌نیا^۱، ابراهیم احمدی^۲

استاد گروه جغرافیای سیاسی دانشکده علوم انسانی

hafezn_m@modares.ac.ir

آدانشجوی دکتری گروه جغرافیای سیاسی دانشکده علوم انسانی

دانشگاه تربیت مدرس

فضای مجازی آمیخته از اطلاعات علمی و شبه علمی است که ممکن است باعث سردرگمی استفاده‌کنندگان شود. هدف از این سلسله مباحث علمی، ارائه اطلاعات معتبر، دارای شناسنامه و تهیه شده توسط اساتید درباره کووید ۱۹ می‌باشد.

۶ خرداد ۱۳۹۹

برای دسترسی به آرشیو گزارش‌ها به لینک زیر مراجعه فرمایید:

<https://modares.ac.ir/~covid>

گروه مطالعات علم و فناوری - ۳۲

مقدمه

بی‌تردید بحران کرونا، ضمن یادآوری مفاهیم پایه در جغرافیای سیاسی (سرزمین، ملت، زیستگاه، حاکمیت، حکومت، امنیت، دولت، قلمرو، مرز و ...)، با یادآوری نقش مرزها در دفاع از اصل امنیت ملی، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی، استقلال ملی، قلمروآرایی و ... هشدار مجددی بود در جهت فلسفی‌اندیشی و نگرش عقلایی و واقع‌بینانه به هستی و کارکرد مرزها. اغراق نیست اگر بگوییم این بحران عامل خیزش مجدد مرزهای جغرافیای سیاسی در همه مقیاس‌ها از محلی/مکانی تا بین‌المللی بود.

بحران کرونا و فلسفه‌اندیشی درباره پدیده مرز

در دهه ۱۹۹۰، حامیان جهانی شدن معتقد بودند که جهان با تجارت، مسافرت، ادغام مالی جهانی، انقلاب دیجیتال و برتری آشکار سرمایه‌داری لیبرال سرعت بالاتری خواهد گرفت. آن‌ها از پدیدار شدن جهانی بدون مرز صحبت به میان می‌آوردند. در حالیکه طی سال‌های گذشته شاهد عقب‌نشینی مداوم آن‌ها از چشم‌انداز خوش‌بینانه مزبور بودیم. به طوری که تعداد بیشتری از ملت‌ها و شهروندان در جهان تمایل خود را به حفظ اصالت و بقای پدیده کشور به عنوان زیستگاه مشترک ملی، هویت و یگانگی ملی، استقلال و حاکمیت ملی، منافع و اهداف ملی، منزلت و برازندگی ملی، حفظ ارزش‌های فرهنگی و میراث ملی و شیوه‌های زندگی بومی و خاص خود ابراز داشتند و همچنان برتری ملی خود را در برابر سایر ملت‌ها و سازه‌های انسانی تعریف کردند. همان‌طور که برگزیت در انگلستان نشان داد، آن‌ها می‌خواهند دوباره استقلال خود را از سلطه سیستم منطقه‌ای بالادستی یعنی اتحادیه اروپا نشان دهند (Walt, 2020).

در این باره دو سوال مطرح است؛ اول اینکه، آیا درک فلسفی از مرز می‌تواند پیوندخورده با عاطفه و مهر مکانی/فضایی (یک محله، شهر و یا احساس نسبت به یک کشور خاص) و احساس هویت (تمایز و تفکیک) باشد؟ دوم آنکه، آیا درک عقلایی از مرز می‌تواند جنبه‌های حیاتی منافع ملی، امنیت ملی، احساس هویت و بقای ملی، احساس و یکپارچگی سرزمینی، حاکمیت ملی، ارزش‌های مشترک ملی و غیره را به بهانه حرکت آزاد و کروی جریان کالا، مواد، پول، پیام، انسان و غیره نادیده بگیرد؟ و آیا امکان تصور الغای نقش تمایزبخش و کنترلی مرزهای داخلی و بین‌المللی از مقیاس محلی تا جهانی وجود دارد؟

تجربه بحران کرونا نشان داد:

- تقلیل احساس هویت اختصاصی (فردی، ناحیه‌ای، قومی، ملی، اعتقادی و ...) به هویت جهان وطنی، سرابی بیش نیست؛

- غلط بودن تصورات و تخیلات واهی بی‌مکانی، بی‌کشوری، بی‌حکومتی، بی‌سرزمینی، بی‌مرزی و ... به هنگام بروز چنین بحران‌هایی مشخص گردید؛

- اگرچه ویروس کرونا یک پدیده جهانی و چالش بشری است. اما از یک سو باعث تقویت حاکمیت ملی و قدکشیدن مرزهای بین‌المللی برای دفاع از امنیت ملی شد و از سوی دیگر منجر به مسئولیت‌پذیری حکومت‌های ملی برای مبارزه با تهدید اپیدمی کووید ۱۹ در درون مرزهای ملی گردید. حتی در این فرآیند، نقش کنترلی مرزهای درون‌کشوری و محلی کشورها را نیز فعال کرد.

- به هنگام یک تهدید فراگیر و یا احساس به خطر افتادن امنیت، سلامت و منافع خاص ملی، تنها حکومت‌ها و دولت‌های ملی قادرند به عنوان محور اصلی یک استراتژی عملیاتی مسئولیت‌پذیرند و در این راه حتی هزینه‌های سنگین مادی را نیز بدوش کشند. از جمله این هزینه‌ها می‌توان به تأمین و تضمین هزینه‌های سلامت شهروندان، هزینه‌های ایمنی و بهداشت مکان‌ها و فضاهای جغرافیایی زیستی، تعطیلی و کاهش اشتغال مولد و نیز مبادلات تجاری داخلی و بین‌المللی، هزینه‌های روحی و روانی شهروندان، کاهش درآمد ملی، خطر ورشکستگی بنگاه‌های اقتصادی، هزینه‌های جانبی و غیره اشاره کرد.

- این بحران نشان داد که حکومت‌های ملی مسئول، تنها پناهگاه و مؤثرترین خدمتگزار شهروندان خود هستند. این امر به درک متقابل و همکاری مشترک بین حکومت‌ها، نهادهای مدنی و شهروندان در درون مرزهای ملی و در مبارزه با تهدید فرامرزی انجامید.

- بنظر می‌رسد بحران کرونا اندیشه سیاسی ناسیونالیسم مبتنی بر اصالت دادن به مرزها، هویت، ارزش‌ها و منافع ملی را در برابر اینترناسیونالیسم (منطقه‌گرایی و جهان‌گرایی) تقویت خواهد نمود (Rachman, 2020; Rogan, 2020).

پیامدهای بحران کرونا بر اندیشه مرز

اول. اهمیت درک مقیاس جغرافیایی

مرز دارای یک سلسله مراتب از سطح فردی، خانوادگی تا سطح محلی، ناحیه‌ای، ملی و جهانی است (Smith, 2000: 725) که بر اساس آن تمایز یافتگی جغرافیایی گسترش می‌یابد. مرزهای جغرافیایی سیاسی در هر مقیاسی (بین‌المللی، ملی و فروملی) دارای وظیفه ذاتی تفکیک و جدایی‌انگاری (هویت خاص)، تأمین امنیت فضا و سازه انسانی و نیز کنترل جریان‌ها و فرآیندهای بینابینی است. بحران کرونا بیش از پیش مقیاس مرز جغرافیایی سیاسی را قابل فهم، خوانا و با اهمیت ساخت؛ که در این بین علاوه بر قدکشیدن مرزهای بین‌المللی، مرزهای داخلی و فروملی (استانی، شهرستانی،

شهری، روستایی، مکانی و ...) به اشکال قرنطینه‌های مکانی / فضایی و حتی مرزبندی انفرادی (فاصله‌گذاری اجتماعی) فعال شدند.

دوم. رد انگاره بی‌دولتی

در نظریه واقع‌گرایی، یکی از مؤلفه‌هایی که به شدت بر آن تأکید می‌شود، حکومت‌ها هستند که بازیگران اصلی روابط بین‌الملل به حساب می‌آیند. در حالی که تبیین جهانی شدن، غافل از مسئولیت‌های متعدد دولت‌ها (نظم، امنیت، اقتصاد، تأمین اجتماعی و ...)، آن‌ها را در کنار سایر بازیگران عرصه جهانی تنها یک بازیگر می‌داند که به موازات سایر بازیگران مانند سازمان‌های غیردولتی، سازمان‌های بین‌المللی (جهانی و منطقه‌ای)، شرکت‌های چندملیتی، تروریست‌های بین‌المللی، بازارهای جهانی و غیره به ایفای نقش می‌پردازند. اولین و بدیهی‌ترین مسئله این است که شرایط اضطراری ناشی از تهاجم ویروس کرونا به ما یادآوری می‌کند که حکومت‌های ملی مهم‌ترین بازیگران اصلی سیاست جهانی هستند. هنگامی که خطرات جدیدی ایجاد می‌شود، انسان‌ها قبل از هر چیز چشم به حکومت‌های ملی خود دارند (Walt, 2020). در حقیقت شیوع ویروس کرونا، جهان‌گرایان را متوجه این امر کرد که به وقت خوف و خطر و تهدید امنیت، سلامت و منافع سازه انسانی ملت، مسئولیت حفظ جان و منافع شهروندان، نه امری جهانی و فرامرزی، بلکه نخست امری ملی و درون‌کشوری است که در چارچوب مرزهای ملی کشورها، بر عهده حکومت‌های ملی است. البته حکومت‌ها با توجه به بُعد پاندمیک و گسترش جهانی و کروی ویروس کرونا، برای مبارزه و کنترل آن ناگزیر از همکاری و همراهی با یکدیگر با محوریت سازمان ملل بویژه سازمان بهداشت جهانی هستند.

سوم. توسعه ملی‌گرایی (بازگشت به مرزهای ملی)

امروزه موقعیت جنبش‌ها و فرآیندهای سیاسی که بر هویت ملی، ارزش‌های ملی، منافع ملی، خوداتکایی و درون‌گرایی کشوری و رد دیگران و تعریف خودی تأکید دارند، در بین مردم کشورهای مختلف جهان رو به افزایش است. بنابراین، افزایش نقش کنترلی مرزها، که ریشه آن در این است که امنیت ملی، منافع و هویت ملی در خطر است؛ شاخص توسعه ملی‌گرایی جدید است (حافظنیا، ۱۳۹۰: ۱۰-۱). در حقیقت بحران ویروس کرونا به تقویت جریان‌های ملی‌گرایی در برابر جریان‌های منطقه‌گرایی و جهان‌گرایی و بازگشت ملت‌ها و حکومت‌ها به درون مرزهای ملی کمک خواهد نمود. درون‌گرایی و تأکید بر اقتصاد ملی، ترجیح خود ملی نسبت به دیگر ملت‌ها، اعمال سیاست‌های ضد‌مهاجرتی و غیره از جمله پیامدهای این بحران است، که ممکن است باعث بروز و تشدید گونه‌های ملی‌گرایی افراطی نیز گردد.

ویروس کرونا نشان داد که در مواقع اضطرار، مردم به کشور و هویت ملی خود باز می‌گردند. زیرا آن را پناهگاه و خانه خودی و آرمان نهایی زیست خود می‌دانند. نمونه‌ای از این دست، انتقال دانشجویان خارجی در کشورها در جریان بحران کرونا به کشورهای اصلی و وطن خود می‌باشد. زیرا نهادهای جهانی فاقد چنین ویژگی‌هایی هستند

توصیه‌های راهبردی

- ۱- یکی از نتایج این بحران بازگشت به مرزهای ملی و تقویت ملی‌گرایی بوده‌است. ملی‌گرایی به مفهوم انزوای ملت و کشور و قطع ارتباط با جهان پیرامون نیست. ملی‌گرایی با پاسداشت استقلال و تمامیت ارضی کشور، متوجه ملت و منافع ملی است. حکومت‌ها نباید به بهانه‌های مختلف روابط بیرونی کشور خود را محدود و انزوای ژئوپلیتیکی مولد هزینه‌های زیاد را بر ملت خود تحمیل نمایند.
- ۲- جهان‌گرایان افراطی به اشتباه معتقدند مرزها مانعی بر سر مراودات اقتصادی، اندیشه، کالا و ... بین کشورها هستند. نباید چنین بحران‌هایی باعث غفلت حکومت‌ها و دولت‌ها در تقویت آن دسته از کارکردهای مثبت مرزها شود (همچون کارکرد یگانگی ملی، کنترلی، ارتباطی، تعاملی، حفاظت و امنیت ملی). کارکردهای مزبور در مجموع باعث استقلال، توسعه، پیشرفت، امنیت و رفاه ملت و کشور می‌باشند.
- ۳- در شرایط کنونی، کنترل جدی و یا انسداد موقت کلیه مرزهای هوایی، زمینی، دریایی و گذرگاه‌های مرزی کشور تا بهبود وضعیت و عادی شدن شرایط
- ۴- حمایت از کسب و کار مردم مناطق مرزنشین و اعطای خدمات مالی و بانکی در ایام کرونا، و به طور کلی فراهم‌آوری زمینه‌هایی در جهت ایجاد اشتغال پایدار در این مناطق
- ۵- اختصاص سبد معیشتی ویژه مناطق مرزنشین، بطوری که تا پایان دوره بیماری جوابگوی حداقل معیشت مردمان این مناطق باشد.
- ۶- حضور معنی‌دار نمایندگان دولت، نیروهای مسلح، روحانیت و... در مناطق حاشیه کشور در جهت حمایت‌های مادی و معنوی و تزریق حس همدلی با اقشار آسیب‌پذیر این مناطق
- ۷- راه‌اندازی مراکز درمانی موقت و البته مجهز به ابزار تشخیص و مقابله با بیماری کرونا در این مناطق در حد امکان و با خدمات رایگان یا ویژه مناطق محروم مرزی
- ۸- استفاده از ظرفیت محلی (نخبگان محلی، علمای بومی، گروه‌های مذهبی و قومی) در جهت ایجاد اعتماد، سهولت ارتباط و کنترل وضعیت مناطق مرزنشین در شرایط کنونی
- ۹- نباید چنین بحران‌هایی مورد سوءاستفاده ابزاری حکومت‌ها قرار گیرد؛ به نحوی که با دخالت در همه امورات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، امنیتی، فردی و ... به سمت تمرکزگرایی حداکثری حرکت نمایند. تمرکزگرایی حکومت‌ها؛ آفت آزادی، توسعه، دموکراسی، شفافیت و عملکرد و کارایی خود حکومت است.

منابع

- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۰)، ظهور ملی‌گرایی جدید در جهان، سخنرانی علمی، انجمن ژئوپلیتیک ایران (۱۶ آذر ۱۳۹۰).
- Rogan, Tom. (2020). In coronavirus border shutdown, a reminder that national sovereignty matters, Washington Examiner .Available at: <https://www.washingtonexaminer.com/opinion/>
- Rachman, Gidon. (2020). Nationalism is a side effect of corona virus, financial time, Available at: <https://www.ft.com/content/644fd920-6cea-11ea-9bca-bf503995cd6>.
- Smith, N. (2000). Scale, in R. Johnston & Others Dictionary of Human Geography, Oxford: Blackwell.
- Walt, Stephen M. (2020). The Realist Guide to the Coronavirus Outbreak. Foreign Policy. Available at: <https://foreignpolicy.com/2020/03/09/coronavirus-economy-globalization-virus-icu-realism/>